

*A tow Quarterly specialized-
scholarly journal
Hadith Studies
Vol.5, No.10 , Fall & winter 1011*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات حدیث پژوهی
س ۵ ش ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

وظایف حکومت اسلامی در ارتباط با فقیر و مسکین

رضا عباس*

صادق اخوان**

چکیده

رفاه اقتصادی افراد جامعه از اصلی ترین مسائل در راستای پیشرفت و توسعه هر جامعه می باشد که در آموزه های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، حکومت های اسلامی به رغم بهره مندی از منابع غنی خدادادی دچار افول شاخص های اقتصادی بوده و پدیده فقر یکی از بزرگ ترین معضلات جامعه اسلامی محسوب می شود، لذا حکومت های اسلامی باید وظایفی که بر عهده دارند را در جهت بهبود وضعیت معیشتی جامعه و به ویژه فقرا و محرومان طبق آیات و روایات وارده انجام دهد، نتایج تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی و با جمع آوری کتابخانه ای مطالب صورت گرفته حاکی از آن است که دین اسلام برای رسیدن به اهداف عالی خویش از جمله عدالت اقتصادی برخی از اختیارات خاصی را به حکومت اسلامی داده است که با به کار گیری آنها بتواند عدالت اقتصادی در جامعه را به پا داشته و به مقابله با فقر بپردازد. و برخی از امور از جمله تهیه امکانات ضروری و اولیه زندگی بر آحاد جامعه را وظیفه حکومت قرار داده است که از جمله آنها تهیه مسکن، اشتغال زایی، تامین بهداشت و آموزش عمومی می باشد.

واژگان کلیدی: فقر ، مسکین، وظایف ، حکومت اسلامی

* دانش پژوه کارشناسی ارشد ، تاریخ اهلبیت (ع) ، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول)

rezaabbas125@gmail.

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.



مقدمه

اسلام بین بهره‌مندی از نعمت‌های دنیایی و سعادت آخرتی منافاتی نمی‌بیند، «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»^۱

فراهم نمودن زمینه‌ی رفاه عمومی از وظایف اصلی حکومت اسلامی است. بی‌تردید رفاه مورد نظر اسلام با رفاهی که در سایر نظام‌ها مطرح است، تفاوت دارد و مقید به اموری چون مشروعیت، همگانی بودن، رعایت حدود الهی و پرهیز از غفلت و دنیازدگی است.

شهید مطهری با ذکر فرازی از گفتار امام علی (ع) این وظیفه‌ی حکومت اسلامی را یادآور می‌شود: آن کس که به عنوان وال و فرماندار شهری معرفی می‌شود و امر خویش را در قلمرو حکومتش مطاع می‌شمارد، باید بداند که این شهر و یا این استان و یا این کشور به عهده او حقی دارند که آنجا را معمور و آباد ساخته و موجبات آسایش و گشایش زندگی را فراهم سازد. هم‌چنین امیرالمؤمنین (ع) به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «ولاتکونن علیهم سبعا ضارياً تغتنم اکلهم فانهم صنفان، اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق»^۲ مبدا که مانند حیوان، به جان مردم بیافتی، زیرا افراد رعیت، یا مسلمان و هم‌دین تو می‌باشند و یا اگر مسلمان نیستند، لااقل انسان‌اند و هم‌نوع تو می‌باشند.^۳

بنا بر این برای استقرار و استمرار دولت اسلامی لازم است عمران و آبادی که گسترش رفاه مردم را به دنبال دارد، در جایگاه یکی از اهداف مهم دولت اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

سیره عملی پیامبر (ص) و علی (ع) نشان‌دهنده توجه حکومت‌های ایشان به رفاه جامعه می‌باشد. تمام کسانی که تحت قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، حق دارند در رفاه زندگی کنند. بنابراین دولت دینی باید تلاش نماید تا زمینه‌های مناسب جهت شکوفایی اقتصادی و رفاه جامعه به ویژه قشر فقیر و مسکین را فراهم آورد.

گفتار اول: وظیفه تهیه مسکن

تهیه و فراهم سازی نیازهای اولیه و ضروری از جمله سرپناه و مسکن برای تمامی اقشار جامعه به خصوص فقرا و مساکین که به دلیل عدم کسب در آمد یا عدم کفاف درآمد امکان تهیه

^۱ قصص / ۷۷.

^۲ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۹۹.

^۳ مرتضی مطهری، حکمت و اندرزها، ص ۲۰۷.



مسکن را ندارند از وظایفی است که بر عهده همه مسلمین به خصوص حکومت اسلامی می‌باشد، امیر المؤمنین (ع) در نامه خویش به مالک اشتر سفارشات متعددی به ایشان نموده اند از جمله نسبت به طبقه مستضعف همچون یتام، مسکینان، ناتوانان چنین سفارش نموده اند:

خداوند را همیشه در نظر داشته باش، در مورد قشر پایین مردم، آنها را که چاره ای نمی یابند از در مانده ها، فقرا، بیماران و ناتوانان، به درستی در بین آنها، افراد قانعی موجود است که نیاز خویش را بروز نمی دهند، در راه خدا، آن حقی که از سوی خدا حفاظت از آن را برای ایشان به تو ودیعه نهاده شده محافظت نما و قسمتی از بیت المال و قسمتی از غله های زمینهای خالصه را در هر منطقه به آنها اختصاص بده ...^۱

در این فراز از نامه امام علی (ع) مشاهده می نماییم که ایشان به نیازهای اولیه و ضروری فقرا توجه نموده اند که به طور قطع تهیه مسکن یکی از آنها می باشد. با توجه به این گونه از روایات منقول از معصومین (ع) ذ است که فقهای اسلامی، تهیه ضروریات فقرا و ناتوانان را در حد ضرورت و نیازهای اولیه به عهده حکومت اسلامی می دانند.^۲

۱. عمران و آبادی

عمران و آبادی از راهکاری تامین مسکن برای تمامی مردم به ویژه فقرا می باشد که حکومت اسلامی وظیفه آن را به عهده دارد، رسول گرامی اسلام (ص) در این ارتباط فرموده اند: «حاکمی که بر امور مسلمین مسئول باشد ولی در جهت رفع نیازها و ضروریات آنها کوشا نباید، همراه با آنان به بهشت وارد نمی گردد».^۳

امیر المؤمنین (ع) هم در نامه خود به مالک اشتر، هدف اولیه حکومت اسلامی را رفاه و آبادانی بر شمرده اند و عدم توجه به این امر را باعث و دلیل نابودی حکومت دانسته اند:

«و توجه تو به آبادانی سرزمین باید بیشتر از گردآوری مالیات باشد و باید مراقب باشی که گردآوری و جمع کردن مالیات به غیر از طریق آبادانی امکان پذیر نیست و کسی که دنبال

^۱ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه امام علی به مالک اشتر.

^۲ روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۳۰.

^۳ مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱۰، ص ۱۲۶.

مالیات باشد ولی آبادانی را رها سازد و سرزمین ها را ویران نماید مردم را از بین برده و حکومتش دوام نخواهد یافت»^۱.

کلام امام علی (ع) از جمله نظریات جامعه شناسی ای است که اندیشمندان علوم اجتماعی بر آن صحنه نهاده و تایید کرده اند از جمله اندیشمندان اسلامی ابن خلدون است که در اثبات این واقعیت چنین گفته است:

اگر حاکمی مهربان و همراه مردم باشد، علاوه بر رشد انتظارات مردم آنها برای آبادانی نیز بیشتر تمایل می یابند ولی دست درازی و تجاوز به مال مردم موجب می گردد که آنها اشتیاقی برای کسب ثروت نداشته و از کسب آن نا امید گردند زیرا در می یابند که کسب خویش را حاکم به غارت خواهند برد و از دست خواهند داد به همین جهت هر زمانی که مردم از کسب و تولید ثروت نا امید گردند از تلاش در راه آن دست خواهند کشید و دیان هنگام زمانی که برای معاش خود تلاشی نمی کنند موجب از بین رفتن آبادانی گردیده و به هرج و مرج در جامعه منجر می شود و به دنبال کسب در آمد از آن سرزمین مهاجرت خواهند نمود و در اثر مهاجرت مردم، جمعیت آن سرزمین رو به کاهش می نهد و شهرها و روستاها خالی از سکنه گردیده و به ویرانی منجر می شود که این خرابی به حکومت و دولت آن سرزمین نیز سرایت خواهد نمود.^۲

به همین جهت برای تداوم و بقای حکومت اسلامی از لوازم امر این است که مردم در رفاه و آبادانی باشند و نیازهای اولیه آنها از جمله مسکن تامین گردد.

۲. نظارت بر بازار و تنظیم آن

از راهکارهای حکومت اسلامی برای تامین مسکن عموم جامعه به ویژه قشر فقیر و مسکن، نظارت حکومت بر بازار مسکن و تنظیم آن است در این زمینه به سیره حضرت علی (ع) در حکومت علومی نگاه می اندازیم:

امیر المومنین (ع) شخصاً اوضاع بازار را زیر نظر می گرفتند و ضمن دعوت بازاریان به رعایت موازین اخلاقی و شرعی، نرخها را بررسی نموده، بر معاملات که بین مشتری و فروشنده در جریان بود نظارت می نمودند و با احتکار و گرانفروشی نیز سخت مقابله می نمودند.

^۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه حضرت امیر به مالک اشتر.

^۲. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه تاریخ ابن خلدون، ص ۲۵۶.



از امام باقر (ع) چنین نقل گردیده که آن حضرت، بامداد هر روز، از منزل خود در کوفه، به طرف بازار روانه می‌گشت و در حالی که تازیانه‌ای دو سویه به نام سبیه بر دوش آویخته بودند، بازار به بازار می‌گشتند. در هر بازار نزد سوداگران ایستاده و ندا می‌دادند که ای گروه تجار، از خداوند - عزوجل - هراس ورزید. چون تجار صدای حضرت را می‌شنیدند، دست از کار کشیده، گوش‌ها بدو سپرده و چشم بر او می‌دوختند. آن گاه حضرت می‌فرمود:

پیش از کار از خدا خیر طلب نمایید و با تسهیل کار داد و ستد برکت جوید و به خریداران نزدیک شده و خود را به حلم آراسته کنید و از سوگند دوری کنید و از دروغ کناره گرفته و از ستم دوری نمایید... ربا نگیرید و با پیمان و ترازوی درست کار انجام دهید و مال مردم را کم نگذاشته و در زمین فساد ننمایید. سپس ایشان بازارهای کوفه را می‌گشتند و آن گاه باز می‌گشت و [در دارالحکومه] برای رتق و فتق امور مردم می‌نشست.^۱

امیر المومنین (ع) هم بازاریان را به رعایت حال خریداران و ارزان فروشی تشویق می‌نمود و هم پیوسته بر قیمت‌ها نظارت و با احتکار و گرانفروشی مبارزه می‌کردند. از این رو به مالک اشتر چنین امر می‌کند:

«از احتکار منع کن که رسول الله (ص) از آن منع نموده و باید خرید و فروش به آسانی و بر موازین عدل صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که در بهانه فروشنده زیان ببیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کرد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد؛ ولی کار به اسراف نکشد.»^۲

۳. توازن اقتصادی

با توجه به پابندی اسلام به مسأله برابری و برادری انسان‌ها، نابرابری‌های فاحش درآمد و ثروت با روح اسلام ناسازگار است. اختلاف شدید طبقاتی نه تنها حس برادری را میان مسلمانان تقویت نمی‌کند. بلکه مخرب آن به شمار می‌آید. و از جمله عواملی است که موجب شده بخش زیادی از مردم از تامین مسکن خویش درمانده باشند و در مقابل برخی دیگر منازل متعددی را مالک گردند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۱۵۳؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۱۶.

۲. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۳.

در این ارتباط شهید مطهری چنین گفته اند: «مدینه فاضله‌ی اسلامی، مدینه‌ی ضد تبعیض می‌باشد اما ضد تفاوت نیست، جامعه اسلامی، جامعه‌ی است متشکل از تساوی، برابری و برادری اما نه تساوی منفی بلکه تساوی مثبت

تساوی منفی منظور این است که امتیازهای طبیعی افراد حساب نگردد و امتیازات اکتسابی آنها نیز سلب گردد تا تساوی برقرار شود، اما تساوی مثبت این است که امکانات برابر برای همه آحاد جامعه فراهم شود و هر کسب اکتساب خویش را مالک بوده و امتیازات ظالمانه سلب گردد»^۱.
امام خمینی (ره) بر این عقیده بودند که با اجرای دستور العمل‌های اسلامی تفاوت‌های فاحش در امور مالی بین عموم مردم کم می‌گردد^۲.

به نظر ایشان در صورتی که در جامعه‌ی اسلامی، اختلاف طبقاتی فاحشی شکل بگیرد و وجود یابد آن جامعه تنها (صورت) اسلامی یافته و از محتوای اسلام بدور مانده است.^۳ البته به عقیده ایشان نیز تعدیل نمودن مال و ثروت به معنای ایجاد تساوی در ثروت و مال افراد نمی‌باشد و این نظریه انحرافی را اسلام قبول ندارد.^۴

بعضی از اندیشمندان اسلامی از جمله شهید باقر صدر دیدگاه دیگری را مطرح نموده اند: ایشان ایجاد توازن در جامعه را به معنی تعادل آحاد جامعه در سطح زندگی معنا نموده اند و نه تعادل در سطح درآمد، نظر شهید صدر این است که ثروت و مال به مقداری در دسترس آحاد جامعه قرار گیرد که با توجه به ضروریات روز بتوانند از مزایای رفاهی برابری استفاده نمایند، گرچه سطح یکسان است اما درجات مختلفی دارا است. ولی منجر به تفاوت‌های فاحشی که در نظام‌های غربی است نخواهد شد از نظر ایشان وظیفه حکومت اسلامی این است که این برابری اجتماعی به معنای فوق را به عنوان هدف اصلی دنبال نماید.^۵

گفتار دوم: وظیفه اشتغال زایی

تأمین امنیت و دفاع از حقوق افراد جامعه تنها وظیفه‌ی ای نیست که بر عهده حکومت اسلامی قرار دارد. بلکه حکومت اسلامی باید با فراهم نمودن فرصت‌های شغلی و تأمین امنیت کاری،

^۱. مرتضی مطهری، جهان‌بینی توحیدی، ص ۵۴.

^۲. روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۵۸.

^۳. همان، ج ۷، ص ۳۹.

^۴. همان، ج ۱۱، ص ۱۰۰ - ۱۰۳.

^۵. محمدباقر صدر، اقتصادنا، ص ۶۶۹.



موجبات اشتغال و رشد افراد جامعه را با بنای موسسه های عمومی و تاسیس پروژه های صنعتی و کشاورزی فراهم سازد.

طرحه هایی که منجر به رشد سرمایه مالی مردم شده و آحاد جامعه در سود آن شریک باشند، لذا حکومت اسلامی وظیفه دارد با تسهیل طرق سرمایه گذاری و اعطای یارانه ای مالی و غیره، اقشار مختلف جامعه از جمله تجار، صنعتگران و کشاورزان را به سمت رشد تجارت، صنایع و محصولات کشاورزی تشویق نماید که باعث رونق اقتصادی جامعه گردد.^۱

۱. اشتغال زایی در دوره صدر اسلام

با وجود اینکه رسول گرامی اسلام بعد از هجرت و ایجاد حکومت اسلامی در مدینه با جنگ های زیادی مواجه بودند اما در عین حال از اقتصاد جامعه و مردم غافل نبودند، لذا در سیره نبوی مشاهده می کنیم که ایشان از طرق مختلف زمینه اشتغال مسلمین را فراهم می ساختند.

در برخی از مواقع با منعقد نمودن قراردادهای مزارعه و مساقات بین انصار (صاحبان مزارع و باغ های مدینه) و مهاجران مکه که نه زمین داشتند و نه کار و ایشان به این روش هم امکان اشتغال مهاجران و هم رشد بهره وری زمین های انصار را میسر نمودند

همچنین ایشان با واگذاری زمین جهت ساخت بازار و حمام، کارهای تجاری و خدماتی را گسترش می دادند.^۲

امام علی (ع) والیان را به بهره برداری بهتر از بخش کشاورزی فرامی خواند و از آن ها می خواهد برای تأمین این منظور، از بار مشکلات کشاورزان بکاهند و منابع کشاورزی در دسترس جامعه را توسعه دهند. وی همانند یک سیاستگذار اقتصادی برای جلوگیری از رکود فعالیت های کشاورزی در نامه ای به مالک اشتر می نویسد:

هنگام خشکسالی و رکود، از میزان خراج بکاه و از این کار نگران نباش؛ زیرا [در دوره های بعدی] سبب افزایش درآمد مردم و رونق اقتصاد می شود و والی می تواند پس از بهبود، دوباره میزان خراج را افزایش دهد.^۳

^۱. ابراهیم العسل، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب مازار، ص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ سید عباس موسویان: کلیات

نظام اقتصادی اسلام، ص ۸۰ و ۸۱.

^۲. سید کاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۶۶ و ۶۷.

^۳. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه امام علی به مالک اشتر.

عمر بن عبدالعزیز از خلفای بنی‌امیه نیز در نامه‌ای به یکی از والیانش می‌نویسد: نگاه کن پیش از تو چه زمین‌هایی کشت نشده است؛ پس برای کشت، آن‌ها را به افراد واگذار تا به حد مالیات‌دهی برسد و اگر کشت نشد، کمک کن و اگر باز هم کشت نشد، از بیت‌المال مسلمانان برای کشت آن هزینه کن.^۱

در همین جهت در تاریخ به مواردی برمی‌خوریم که گاهی مسلمانان برای تأمین سرمایه‌گذاری تجاری از بیت‌المال استقراض می‌کردند.^۲

با توجه به مواردی که بیان شد در می‌یابیم که برای ریشه کنی فقر از جامعه، وظیفه حکومت اسلامی است که به ایجاد شغل و رفع بیکاری اقدام نماید.

۲. اهمیت کار و ارزش کارگر در نظام اسلامی

بقای جهان بشریت تمام ملت‌ها و تکامل مادی و معنوی انسان‌ها، همیشه در پرتو کار و کوشش بوده زیرا که بشر در هر زمانی بواسطه کار و فعالیت نیازمندی‌های خود را تأمین کرده و به زندگی خود نشاط بخشیده است.

به همین جهت است که اسلام ارزش و اهمیت والایی برای کار و اشتغال قائل شده است که تا با بیان نمودن آنها موجب تحریک افراد به سوی کسب حلال و ایجاد اشتغال گردد که در ادامه برخی از آنها را بیان می‌نماییم.

۱-۲. کار بالاترین عبادت

اسلام کار و طلب روزی حلال را بالاترین عبادت، معرفی نموده است چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«العباده سبعون جزءاً أفضلها طلب الحلال»^۳. انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

عبادت ۷ جز دارد برترین آنها کار و کوشش برای بدست آوردن روزی حلال است.

^۱. سید کاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۷۲

^۲. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب، ج ۷، ص ۴۳۶.

^۳. فهرست موضوعی غرر الحکم، ص ۹۳

۲-۲. کار بالاترین جهاد

با آنکه جهاد و فداکاری در اسلام ارزش ویژه‌ای دارد ولی کار مثل آن و بلکه از آن برتر معرفی شده است. چنانکه امام رضا (ع) فرمود:

آنکس که (با کار و تلاش) از فضل و برکت خداوند طب روزی می‌کند که نیازهای عایله‌اش را فراهم نماید از جهادکننده در راه خدا پاداشش بیشتر است.^۱

۳. زیان‌های بیکاری و سستی از نظر اسلام

بیکاری، سستی، تنبلی مفاسد و زیان‌های فراوانی به دنبال دارد و لذا در اسلام نیز سخت از آن نکوهش شده است که در این بحث ضمن هفت عنوان در ذیل بیان شده است.

۱-۳. بیکاری، مورد غضب خدا

همان‌طور که کار ارزشمند، بالاترین عبادت، جهاد، اطاعت خدا و موجب عزت است و کارگر محبوب پروردگار عالم است، بیکاری زشت و نکوهیده و نادرست و شخص بیکار مورد غضب خدا و نفرت خلق است. امام صادق (ع) نقل می‌کند: «ان الله یبغض کثره النوم و کثره الفراغ»^۲. «خواب زیاد و بیکاری زیاد مورد غضب خداست».

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: «ان الله عزوج لیبغض القبر النوام ان الله یبغض العبد الفراغ»^۳ و «به راستی که خداوند خشم دارد به بنده‌ای که زیاد بخوابد و شخص بیکار ورد غضب خداوند است».

۲-۳. عدم استجابت دعای بیکار

انتظاری که فرد بیکار، بدون تلاش دارد که دعایش و احتیاجاتش تأمین شود، بیجا بوده و همان‌طور که پیامبر (ص) فرمود:

پنج دسته دعایشان به اجابت نمی‌رسد، یکی از آنها را فرمود: «رجل جلس فی بینه و قال اللهم ارزقنی و لم یطلب». «مردی که در خانه خود بیکار بنشیند و بدون اینکه دنیا تلاش و طلب روزی برود، بگوید: خدایا روزی نصیب من کن، دعایش مستجاب نمی‌شود»^۱.

^۱. قرطبی، تفسیر جامع الاحکام، ج ۵، ص ۸۰

^۲. همان

^۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، حدیث ۳

۳-۳. بیکاری و فقر

شکی نیست که با کار و تلاش چرخ‌های اقتصادی به راه افتاد. و نیازمندی‌های مردم فراهم می‌شود و بیکاری سبب رکود اقتصادی و پایین آمدن سطح تولید و موجب کمبود و درماندگی و فقر می‌شود. و همان‌طور که امام صادق (ع) در پاسخ به فضیل بن یسار که گفت: من امروز بیکارم، فرمودند، کذلک تذهب اموالکم و اشدت علیه «همین‌طور (با بیکار بودن) مال‌های شما از بین می‌رود و فقیر می‌گردید و سخت او را مورد نکوهش و توبیخ قرار داد و نیز می‌گوید: من کار را ترک کرده بودم (و فقیر و بی‌سرمایه شدم) امام صادق (ع) فرمود: هرگز، چنین (بیکار) مباش، درب مغازه خود را باز کن وسایل کارت را پهن کن و از پروردگارت روزی بخواه.^۲

۳-۴. دور شدن از رحمت خدا

کسی که کار و تلاش نمی‌کند که مخارج خود و عایله‌اش را تأمین کند و گوشه‌ای از بار جامعه را بر دوش نمی‌کشد بلکه خود و عایله‌اش سرباری بر دوش جامعه می‌باشند، ملعون و از رحمت خداوند به دور است، چنانکه پیامبر (ص) فرمود: «ملعون من التی کله علی الناس.» ملعون است هرکس که (کار و تلاش نمی‌کند) و بار و زحمت خود را بر جامعه تحمیل کرده است. و در حدیث دیگر فرمود: «ملعون ملعون من یضیع من یحول»^۳ «ملعون از رحمت خدا به دور است، کسی که (بیکار بوده و با درمانده کردن) عایله‌اش را ضایع و بی‌ارزش کند.»

گفتار سوم: تأمین بهداشت

بهداشت به طور کلی عبارت است از: «ایجاد کامل تندرستی بدنی، روانی، اجتماعی؛ نبود هر نوع ناتوانی جسمانی؛ مبارزه با بیماری‌های همه-گیر؛ بالا بردن سطح زندگی؛ اصلاح محیط؛ کشف داروهای تازه برای نابودی امراض؛ پاک‌سازی محیط روستایی و آلودگی آب‌ها؛ مبارزه با عوامل مزاحم تمدن، مانند: سر و صدا، ازدحام و غیره»^۴

۱. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۲، حدیث ۴

۲. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۲، حدیث ۹

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۴۸

۴. مولوی و گیتی ثمر، بهداشت همگانی، ص ۳



برخورداری از بهداشت و سلامتی یکی از حقوق مسلم فردی و اجتماعی است که در دین اسلام به صورت تکلیف وجوبی، حرمتی، استحبابی و یا مکروهی گنجانده شده است. جامعه موفق جامعه‌ای است که جسم و روان مردم آن سالم باشد. سلامت جسم و روان مهمترین ابزار تکامل انسان است و از دیدگاه اقتصادی نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به همین جهت از وظایف اصلی و ابتدایی حکومت اسلامی فراهم کردن و تامین بهداشت برای عموم جامعه به ویژه قشر مسکین و فقیر می‌باشد. در ارتباط با صرف بیت المال برخی قائل هستند که بیت المال باید برای تهیه داروی فقرا و درمان آنان، تهیه نمودن کفن مردگانی که وسعت مالی ندارند، پرورش ایتام و افراد ناتوان خرج گردد.^۱

لازم به ذکر است که تهیه نیازهای این افراد فقط وظیفه حکومت اسلامی نیست بلکه وظیفه‌ای است که به عهده تمامی مسلمین می‌باشد و همه در این امر مسئول می‌باشند.^۲ در این ارتباط از پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: کسی که با شکم پر بخوابد در حالی که همسایه اش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است و هیچ آبادی ای نمی‌باشد که در آن فردی شب را با گرسنگی به سر برد و خدا روز قیامت به اهل آن آبادی نظر نماید.^۳

۱. برپاداشتن عدالت

انسانها رفتارهایشان به خصوص در امور مالی به شدت از صفت های فردگرایی و زیاده خواهی تاثیر پذیر است و همین امر باعث می‌گردد که هر فردی که امکانات و منابع زیادتری داشته باشد دیگران را تحت سلطه و استعمار خویش در بیاورد و لهدذا در طول تاریخ مشاهده می‌نماییم که سلطه اقتصادی و سیاسی اقلیت هایی که از ثروت و قدرت بهره مند بوده اند همیشه بوده است،

حکومت اسلامی وظیفه دارد که با اقامه عدالت اقتصادی جلوی شکل گیری چنین وضعیتی در جامعه اسلامی را سلب نماید.

^۱. علاء الدین الکاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ص ۹۶

^۲. محمدباقر صدر، اقتصادنا، ص ۳۲۵ - ۳۳۶.

^۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۰.

عدالت اقتصادی خود باعث می شود که عدالت در زمینه استفاده از امکانات بهداشت عمومی نیز شکل گیرد لذا عدالت اقتصادی باید به گونه ای باشد که به رفع فقر و محرومیت بیانجامد و رفاه عمومی رشد یافته و در ثروت و سرمایه مالی اقشار جامعه توازن ایجاد نماید به همین جهت است که اقتصادی اسلامی برای تحقق عدالت در زمینه اقتصادی دو را اجرا می نماید:

۱. همه آحاد جامعه حق دارند که از زندگی متعارف و آبرومندانی برخوردار باشند
۲. با اتخاذ طرق مختلف و ایجاد احکامی در صدد ایجاد توازن در ثروت ها می باشد و هر گونه فقر را نتیجه شکل گرفتن فاصله طبقاتی وعدم تحقق عدالت بر می شمارد.

سخن امام صادق (ع) در این ارتباط بسیار گویا است که فرموده اند:

«ان الناس يستغنون اذا عدل بینهم»^۱.

اگر میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی نیاز می شوند.

لذا وظیفه حکومت اسلامی است که با نظارت و کنترل اقتصاد جامعه و با اجرای دستورات اقتصادی اسلامی، زمینه شکل گیری فقر را زوده و به رفع فقر در جامعه بپردازد. که در پرتو این عمل برخی از مشکلات عامه مردم به ویژه قشر مسکین و فقیر در تامین بهداشت نیز میسر خواهد شد و آنها نیز همچون دیگر اقشار جامعه از امکانات برابر بهداشتی بهره مند می گردند.

۲. نظام بهداشت در حکومت اسلامی

حکومت اسلامی جهت تامین بهداشت عمومی راهکارهای خاصی را در پیش می گیرد با توجه به اینکه قرآن به هر دو بعد مادی و معنوی انسان توجه داشته است در زمینه تامین بهداشت نیز راهکارهای دقیقی را بیان نموده که با اتکا به آنها می توان بخش مهمی از مشکلات بهداشتی و سلامتی جامعه اسلامی را رفع نمود

۱-۲. بهداشت تغذیه

الف. به کار گیری نعمتهای پاک سالم

«یا ایها الناس کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلَالًا طَبِیًّا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ»^۱

^۱ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۶۸.



«ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست».

ب. حلال نمودن اشیاء پاک و سالم و حرام نمودن ناپاک ها

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ...»^۲

(همان) کسانی که از فرستاده (خدا)، پیامبر درس نخوانده پیروی می کنند آن (پیامبری) که (صفات) او را در تورات و انجیل نزدشان، نوشته می یابند در حالی که آنان را به [کار] پسندیده فرمان می دهد و آنان را از [کار] ناپسند منع می کند و برایشان [خوراکی های] پاکیزه را حلال می شمرد و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند...».

ج. حرمت خوردن خبائث

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ...»^۳

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز میدارد اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد و ناپاکیها را تحریم می کند».

۲-۲. بهداشت و سلامتی فردی

الف. ضرورت پاک نگاه داشتن لباس و تطهیر آن از آلودگی

«وَتِيَابِكُمْ فَطَهِّرُوا»^۴ و لباس را پاک کن».

ب. عدم رعایت بهداشت نوعی ظلم به بدن

«وَوَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»^۵

۱. بقره / ۱۶۸

۲. اعراف / ۱۵۷

۳. اعراف / ۱۵۷

۴. مدثر / ۴

۵. بقره / ۵۷

و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم و «من» [شیره مخصوص و لذیذ درختان] و «سلوی» [مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرستادیم (و گفتیم): «از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم می‌نمودند».

ج. تشریح غسل و وضو برای پاکیزه شده اهل ایمان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ...»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشوید! و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشوید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد».

۲-۳. بهداشت محیط و اجتماع

الف. دفن اجساد جهت برای حفظ بهداشت محیط و اجتماع

«فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارَىٰ سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ»^۲

سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی و بر اثر فشار و جدان، از کار خود) پشیمان شد».

^۱. مائده/۶

^۲. مائده/۳۱



ب. نقش آب، در رفع آلودگی ها از بدن

«إِذْ يُغَشِّبُكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يُدْهَبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ...»^۱

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد».

۴-۲. بهداشت و سلامتی روان

بهداشت روانی عبارت است از آگاهی به عوامل معنوی و مادی و انگیزه هایی که سلامت فکر و وضع مثبت و اعتدال رفتار و کردار را سبب می شود که بدان وسیله، ساز و کار با ارزشی در مورد تحرک و پشرفت معنوی و مادی انسان-ها در همه زمینه-ها فراهم می آید»^۲

با کمی دقت در آموزه-های قرآنی می-توان به دست آورد که آیات زیادی به همراه توصیه-ها و روایات ائمه اطهار بر این معنا تأکید دارند و مردم را به رعایت بهداشت روان تشویق و ترغیب می کنند.

این آیات و توصیه ها بیشتر انسان را به حفظ آرامش، حسن ظن، اطمینان و یقین، تواضع و فروتنی، همدلی و همیاری، عزت نفس و قوت قلب و... می کشانند و از مواردی مثل سوءظن، تهمت، غیبت، احساس حقارت، اضطراب، استرس بدبینی و بی اعتمادی... بر حذر می-دارند. برای نمونه چند مورد از این آیات را که به عوامل دخیل در بهداشت روانی اشاره دارند، ذکر می کنیم.

الف. توکل و امیدواری به خدا

«وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آدَبْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»^۳

و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است؟! و قطعاً بر آزارهایتان بر ما، شکیبایی خواهیم کرد و توکل کنندگان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند».

ب. تزکیه

وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا - فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا - قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛^۱

^۱. انفال / ۱۱

^۲. صانعی مهدی، بهداشت روان در اسلام، ۲۲

^۳. ابراهیم / ۱۲

«و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده».

ج. بازگشت نتیجه عمل به خود

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛^۲

گر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید پس به خود (بدی می‌کنید)».

گفتار چهارم: تامین آموزش و پرورش

از وظایف حکومت اسلامی این است که که زمین رشد و تعالی مردم را برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت فراهم نمایند. به همین جهت است که در قرآن کریم، یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، تزکیه نفوس و تعلیم و تربیت، بیان شده است که: «هو الذی بعث فی الامین رسولا منهم یتلوا علیهم آایاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»^۳ در آیه شریفه به آموزش کتاب و حکمت اشاره گردیده که از اهداف بعثت انبیاء الهی می‌باشد با توجه به این امر است که وظیفه حکومت اسلامی نیز تامین آموزش و پرورش برای عموم مردم جامعه به ویژه قشر فقیر می‌باشد.

۱. نقش حکومت در تعلیم و تربیت

یکی از ارکان مهم حکومت اسلامی، نشر فرهنگ صحیح تعلیم و تربیت است. زیرا؛ انسان یک موجود فرهنگی است، به این معنا که اعمال و رفتار انسانها، بازتابی از مجموعه تفکرات و آگاهی‌های آنهاست. به همین جهت، هر گونه اصلاح و دگرگونی در وضع جامعه، بدون نفوذ در فکر و روح افراد آن جامعه، امکان پذیر نیست. جالب اینکه در برنامه حکومت اسلامی که از متن قرآن مجید و سنت قطعی استنباط می‌شود، روی مسائل فرهنگی، تعلیم و تربیت، تبشیر و انذار، فراوان تکیه شده است.

مسئله تعلیم و آموزش در اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در اولین آیات وحی میفرماید: «إقرأ باسم ربک الخلق خلق الانسان من علق... الذی علم بالقلم علم الانسان

^۱. شمس / ۷-۹

^۲. اسرا / ۷

^۳. جمعه / ۲.

مالم یعلم»^۱ بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، همان کسی که انسان را از خون بسته خلق کرد... همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را که نمی‌دانست تعلیم کرد.

۲. آموزش یافته بودن حاکم اسلامی

ابتداء، لازم است که خود حاکم اسلامی آموزش های لازم را فرا دیده باشد. بهترین و مؤثر ترین روش تربیتی هم این است که انسان با عمل خویش دیگران را تربیت نماید، بویژه حاکم اسلامی که در رأس قدرت قرار دارد و بر همه نهاد های حاکم جامعه نظارت دارد، تنهای نیروی بازدارند او تقوای الهی و مؤدب شدن به آداب الهی است که می‌تواند در مورد او نقش ناظر را ایفاء نماید. حضرت علی علیه السلام، می‌فرماید: «الملك كالنهر العظيم تستمد منه الجداول، فإن كان عذبا عذبت وإن كان ملحا ملحت»^۲ حاکم و زمامدار، همچون رود خانه پهن‌آور می‌ماند که جویبار های کوچک از آن جاری می‌شود، پس اگر آب درون آن رود خانه بزرگ شیرین و گوارا باشد، آب جاری در جویبار ها نیز شیرین و گوارا خواهد بود، ولی اگر شور باشد، آب آنها نیز شور خواهد بود. از این بیانات گهربار، بخوبی دانسته می‌شود که نقش تربیتی حاکم تا چه حد، در اصلاح مردم مؤثر است. حضرت علی علیه السلام، می‌فرماید: «فلیست تصلح الرعیة الا بصلاح الولاة»^۳ رعیت اصلاح نمی‌شود مگر اینکه حاکمانشان و والیانشان اصلاح شده باشند. رفتار حاکم بازتاب بسیار وسیعی در رفتار رعیت دارد؛ بخاطر اینکه «فان الناس علی دین ملوکهم» مردم در دین پادشاهان و پیشوایان شان هستند.

۳. وظایف حاکم در آموزش و پرورش جامعه

از دیدگاه اسلام، مهمترین هدف حکومت این است که زمینه رشد و تعالی فرد و جامعه را فراهم نماید تا استعدادها در جهت کمال مطلق شکوفا گردد. حضرت علی علیه السلام، آموزش همگانی، رشد اخلاقی و بستر سازی برای شکوفا شدن کمالات انسانی را از امور سیاسی حکومت معرفی می‌نماید و می‌فرماید:

۱. علق / ۱.

۲. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۹.

۳. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

«فاما حاکم علی فالنصیحة لکم، وتوفیر فیئکم علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا وتادیکم کیلا تعلموا»^۱ حقوق شما بر من آنست که شما را پند و اندرز داده نصیحت کنم و بیت المال را در راه شما صرف کنم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و شما را تربیت نمایم تا آداب و رفتار اجتماعی را فرا گیرید و آگاه شوید.

امام علیه السلام، در این فراز شریف چهار تا حقوق برای رعیت بیان می‌کند که از وظایف حاکم اسلامی که آنها را رعایت نماید.

۱- حاکم اسلامی وظیفه دارد که مردم را پند و اندرز دهد و نصیحت نماید. نصیحت کردن

هم یکی از عوامل تربیتی است که بدین سبب، واعظ متعظ، مردم را وادار می‌کند که مکارم اخلاقی را فراگیرند و به آن عمل نمایند، که برای دنیا و آخرت شان مفید است.

۲- یکی دیگر از وظایف حاکم اسلامی، رعایت عدالت در تقسیم بیت المال و رسیدگی به

معیشت مردم و رفاه بخشیدن به زندگی آنهاست، که با اقدام عملی به تربیت مردم بپردازد.

۳- از وظایف حاکم اسلامی، تعلیم و آموزش مردم است، که باید با آموزش های صحیح و

سالم به مبارزه با جهل برخیزد و سطح افکار مردم را بالا ببرد و فرهنگ جامعه را تقویت کند و عامل مهم بدبختی ها را که جهل و نادانی است ریشه کن سازد.

۴- یکی دیگر از وظایف حاکم اسلامی، تربیت کردن مردم است، با تربیت کردن است که

نیروی عملی افراد فزونی می‌یابد و نسبت به وظایف شان کوتاهی نمی‌کند. به عبارت دیگر، تربیت صحیح بنیان همه چیز است و هیچ امری بدرستی سامان نمی‌یابد، جز در سایه تربیت درست، در حکومت اسلامی، تربیت بالا ترین هدف است که بوسیله آن عزت و سعادت دنیا و آخرت تأمین می‌گردد.

^۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خ ۳۴

نتیجه

با توجه به آنچه در این فصل بدان پرداختیم دریافتیم که دین اسلام برای رسیدن به اهداف عالی خویش از جمله عدالت اقتصادی برخی از اختیارات خاصی را به حکومت اسلامی داده است که با به کار گیری آنها بتواند عدالت اقتصادی در جامعه را به پا داشته و به مقابله با فقر بپردازد. و برخی از امور از جمله تهیه امکانات ضروری و اولیه زندگی بر آحاد جامعه را وظیفه حکومت قرار داده است که از جمله آنها تهیه مسکن، اشتغال زایی، تامین بهداشت و آموزش عمومی می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابراهیم العسل، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب‌مازار، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش
۳. ابن ابی‌الحدید، حامد عزالدین، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد عبد‌الکریم النمیری، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للسدوق) - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، مترجم: کتابادی، محمد پروین تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چ چهارم ۱۳۶۲ ش.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۷. ابی‌عبدالله محمد بن احمد قرطبی، تفسیر الجامع لاحکام القرآن، تحقیق، عبدالحمید هندوانی، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۵ ق.
۸. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة عليهم السلام، دار الحديث، قم، ۱۴۲۶ ق.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: موسسه البعثه، اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب، بیروت، دار الساقی، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، تهران: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، اول، ۱۳۶۸ ش.
۱۳. خمینی، (امام)، سید روح‌الله، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی)، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. خوئی، میرزا حبیب‌الله، منهج البراعه، قم، دار العلم، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. ذاکری، علی‌اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ ش
۱۷. ری شهری، محمد محمدی، موسوعه الامام علی بن ابی‌طالب، قم، دار الحديث ۱۴۲۱ ق.
۱۸. شجاعی تهرانی، حسین، کلیات خدمات بهداشتی، تهران، سماط، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للسبیحی صالح) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. صانعی مهدی، بهداشت روان در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۲۲. صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: فقیه، محمد جواد، بقاعی، یوسف، بیروت: دارالاضواء چ دوم ۱۴۱۳ ق
۲۴. الکاسانی، علاء الدین أبو بکر بن مسعود بن أحمد، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت: موسسه الوفاء، سوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. مطهری، مرتضی، جهان بینی توحیدی، تهران، صدرا، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرزها، قم، صدرا، ۱۳۸۶ ش.